

نقشه دار السلطنه تبریز

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعلنا من تبريز دار السلطنة و جعلنا من اهلها من اهل العلم و الحكمة و جعلنا من اهلها من اهل الفقه و الشريعة و جعلنا من اهلها من اهل الادب و الفنون و جعلنا من اهلها من اهل التجارة و الصناعة و جعلنا من اهلها من اهل الزراعة و البساتين و جعلنا من اهلها من اهل الحرف و المهن و جعلنا من اهلها من اهل الفسقة و المنكرات و جعلنا من اهلها من اهل الفتن و الحروب و جعلنا من اهلها من اهل الفقر و البؤس و جعلنا من اهلها من اهل الجوع و العطش و جعلنا من اهلها من اهل الهم و الحزن و جعلنا من اهلها من اهل الهمس و الحسد و جعلنا من اهلها من اهل الكبر و العجب و جعلنا من اهلها من اهل الغرور و الكبرياء و جعلنا من اهلها من اهل النفاق و الخديعة و جعلنا من اهلها من اهل البغضاء و الحقد و جعلنا من اهلها من اهل البغى و العدوان و جعلنا من اهلها من اهل الفسوق و المنكرات و جعلنا من اهلها من اهل الفتن و الحروب و جعلنا من اهلها من اهل الفقر و البؤس و جعلنا من اهلها من اهل الجوع و العطش و جعلنا من اهلها من اهل الهم و الحزن و جعلنا من اهلها من اهل الهمس و الحسد و جعلنا من اهلها من اهل الكبر و العجب و جعلنا من اهلها من اهل الغرور و الكبرياء و جعلنا من اهلها من اهل النفاق و الخديعة و جعلنا من اهلها من اهل البغضاء و الحقد و جعلنا من اهلها من اهل البغى و العدوان و جعلنا من اهلها من اهل الفسوق و المنكرات

عرض دار السلطنه تبریز خدایستدای و بنت به در پنجاه و شش قیامت و طول آن از خلاصت النهار بایرین چون دور بود و بر شش قیامت
طول آنم تبریز نوزده ساعت و پنجاه و شش قیامت ارتفاع آنم از قاع بهشت دور بود و پنجاه و شش قیامت تمام پذیرفت تاریخ و در آن
شهر شبان ایتم ۱۲۹۶

باجستجوی اندک در اسناد به یک سند بسیار مهم در باب اثبات نوساز بودن سنگ بنای تبریز با نام "نقشه دار السلطنه تبریز" برخوردیم که می توان گفت بعد از نقشه ای که توسط روس ها در کتاب "شهرهای ایران در دوره قاجار" گردآوری شده این سند دارای اهمیت بسزایی می باشد . به طوری که می توان وضعیت محلات تبریز در حدود 136 سال قبل را بررسی نمود . و در انتها به این نتیجه رسید که قدمت 400 ساله این شهر که در یادداشت های قبلی به آن ها اشاره کرده بودیم ، نیز جای تردید دارد . نخست به توضیح کوتاهی از این نقشه می پردازیم .

« نقشه دار السلطنه تبریز 1327 قمری اسد الله خان مراغه »

این نقشه که منحصر به فرد است تا تاریخ 1377 در تملک شهرداری تبریز بوده و در حال حاضر در مرکز اسناد ملی غرب کشور در تبریز نگهداری می شود ، دفتر فنی حفاظت آثار باستانی آذربایجان شرقی در سال 1357 خورشیدی از روی نسخه شهرداری بر روی کالک کپی برداری شده و مقاله حاضر از روی اوزالید آن کالک می باشد . ابعاد نقشه اصلی 232×173 سانتی متر بوده و با دست رنگ شده است .

در جنوب متن نقشه ، نشانه : Ketabton.com

حسب الامر بندگان حضرت اشرف آقای سپهسالار 1 اعظم فرمانفرمای کل مملکت آذربایجان دامت عظمته و به حسن اهتمام مساع بلیغه میرزا اسد الله خان مراغه معدن شناس اداره فلاح و فواید عامه ایالتی شرف اتمام پذیرفت . به تاریخ هجدهم شهر شوال مکرّم 1327 مطابق بیست و پنجم به برج سرطان 1389

در باب معرفی رودخانه آجی چای در سه خط کاملاً همان نوشته قراجه داغی را رعایت نموده است . مقیاس خطی درج شده بر حسب ذرع است و در زیر آن نوشته شده مابین هر نشان کوچک بیست و پنج ذرع تبریزی و مابین نشان بزرگ که با علامت سرخ معین شده یکصد ذرع تبریزی است . انحراف قبله کاملاً منطبق با نوشته قراجه داغی است ولی فرم ارائه آن متفاوت است و تقسیمات جهات اربعه را ندارد. عرض دار السلطنه تبریز از خط استوا سی و هشت درجه و پنج دقیقه است (5 38)2 و طول آن از خط نصف النهار شصت و سه درجه و پنجاه و هفت دقیقه است (57 63)3 و الباقی مطابق قراجه داغی

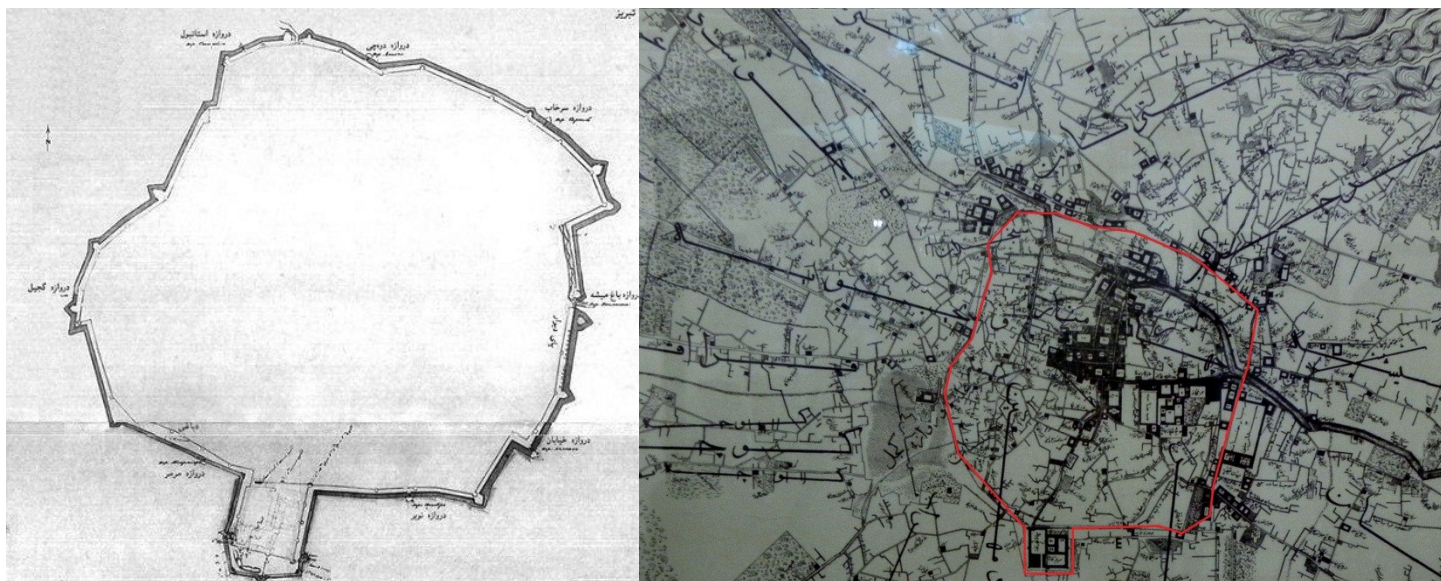
است. در هر دو نقشه شهر به بیست محله تقسیم شده است که فقط در سه مورد نام محلات با هم متفاوت است.

- 1- محله کوچه باع به کوچه باغ تبدیل شده است.
- 2- چرانداب شش گلان و لیلی آباد که با حرف کوچکتر نوشته شده در نقشه اسد الله خان به حروف بزرگ که مختص معرفی محلات است نوشته شده و در جدل فهرست محلات محاسبه شده است.
- 3- بالعکس در نقشه اسد الله خان سنجران، گچیل، چهار بخش که با حروف کوچک نوشته شده در نقشه قراجه داغی با حروف بزرگ نوشته شده و جزیی از محلات شهر است.

در نقشه سرهنگ قراجه داغی در پنج جدول نابرابر تأسیسات شهری شامل مسجد... بازارچه، سرا، پل... خانه شخصیت‌های شهری و خارجی آورده شده، که فقط ده محله را در بر می‌گیرد و از شماره 1 تا 281 بر روی نقشه و جدول شماره‌گذاری و تنظیم گردیده.

نقشه اسد الله خان دارای شبکه‌بندی 95×95 میلیمتر است با 18 شماره شبکه‌های عرضی و با 24 حرف (اجد، هوز، حطی، کلمن، سعفض، قرشت، تخر) تقسیم شده که چنین بر روی نقشه نوشته شده است. « (فرهاد فخاری تهرانی - پایگاه مجلات تخصصی)

در اینجا کافی است به بررسی نقشه‌های قدیمی موجود بپردازیم. عکس سمت چپ زیر مربوط به کتاب "شهرهای ایران در دوره قاجار" می‌باشد و عکس سمت راست مربوط به نقشه دارالسلطنه تبریز است. محوطه ای که با رنگ قرمز رنگ در نقشه سمت راست مشاهده می‌کنید مربوط به حصار اصلی و اولیه شهر تبریز می‌باشد.



با توجه به عکس سمت راست ظاهراً شهر در فاصله ترسیم این دو نقشه گسترش یافته است. ولی اگر به نقشه دقیق شویم متوجه می‌شویم که گسترش چندانی صورت نگرفته و اگر فضاهای خالی را در نظر بگیریم و با قسمت‌های اطلاعات نقشه که در زیر آمده مقایسه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که جمعیت شهر رشد طبیعی خود را داشته و در این نقشه نیز می‌توان کمبود جمعیت شهری را نشان داد. به طوری که از کوچه‌های موجود فقط خودشان معلوم است و یک طراحی برای گسترش آینده در نظر گرفته شده است.

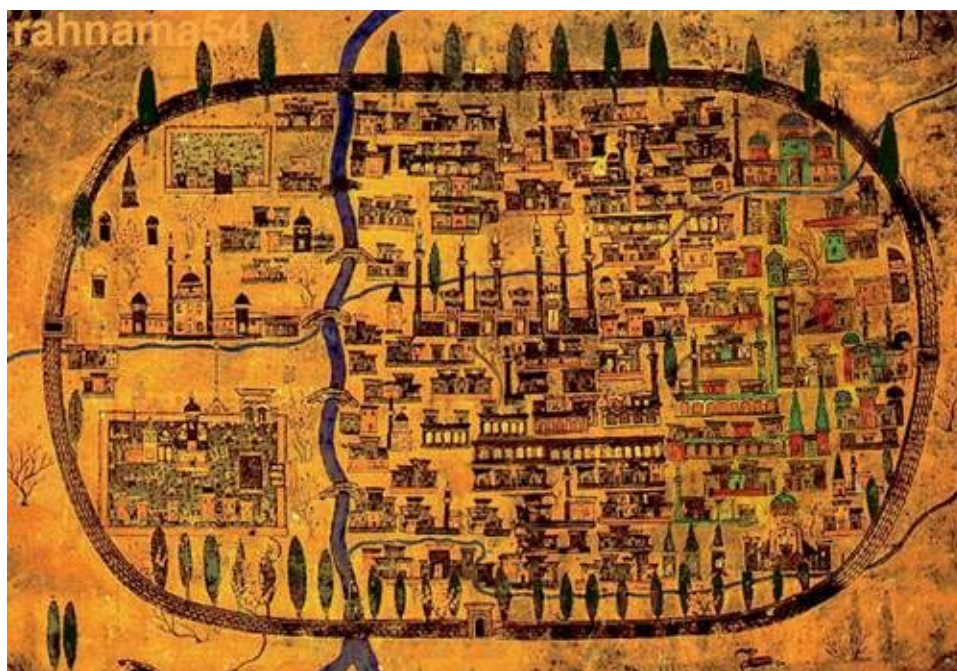
یعنی در فاصله 1820 - 1855 میلادی که نقشه های اولیه شهر های ایران توسط روس ها ترسیم شده اند تا تاریخ 1297 ه . ق که حدودا 56 سال می شود هنوز وضعیت جمعیت شهر بسیار کم و قابل شمارش می باشد به طوری که نام اکثر اشخاص و اماکن اصلی شهر با ذکر جزئیات در پایین سمت چپ نقشه ذکر شده است . که شهر تبریز در زمان ترسیم نقشه دارالسلطنه تبریز دارای 10 محله (امیرخیز ، مهادمیهن ، خیابان ، گجیل ، ویجویه ، سنجران ، نوبر ، چهار منار ، شتربان ، سرخاب) می باشد . در داخل حصار اولیه شهر نیز فقط شاهد گسترش بازار سرپوشیده در فضای خالی باقی مانده هستیم . دلیل گسترش بازار در داخل حصار شاید به دلیل مسائل امنیتی در آن زمان و جلوگیری از غارت ثروت کسبه بازار بوده است .

مناجد	از کسب های دین که در کتب و کتب دیگر ذکر شده اند
بیمارستانها	بیمارستانها
مدارس	بازارها
حمامها	بیمارستانها و بیمارستانها که در کتب دیگر ذکر شده اند
کلیساها	بیمارستانها
کاروانسراها	بیمارستانها و بیمارستانها که در کتب دیگر ذکر شده اند
بازارها و دکانها	بیمارستانها و بیمارستانها که در کتب دیگر ذکر شده اند
کسبه ها	بیمارستانها و بیمارستانها که در کتب دیگر ذکر شده اند
قبرستان	بیمارستانها و بیمارستانها که در کتب دیگر ذکر شده اند
خیابانها	بیمارستانها و بیمارستانها که در کتب دیگر ذکر شده اند
زمینهای باغ	بیمارستانها و بیمارستانها که در کتب دیگر ذکر شده اند

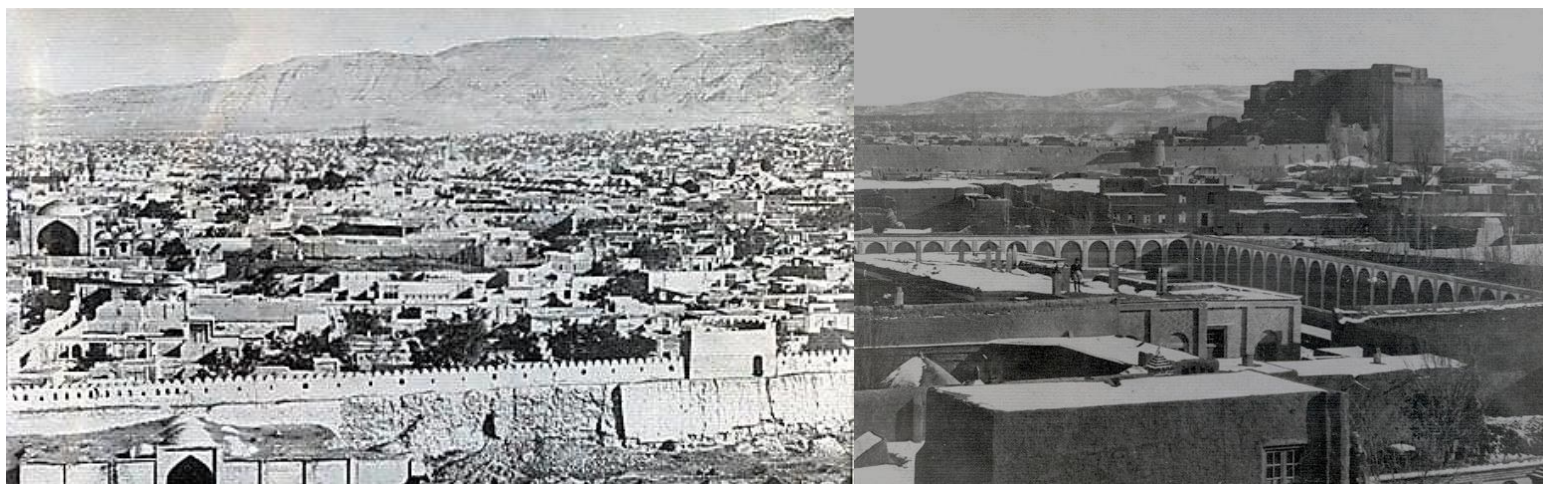


شهر به صورت جالبی از خروجی دروازه های اولیه گسترش یافته به طوری که محلات تشکیل شده جدید نامشان برابر همان دروازه ای است که در مسیر آن قرار گرفته اند و این مسئله نیز طبیعی است . از خوانندگان مطالب به دلیل کیفیت کم تصاویر ارائه شده در همین جا پوزش می طلبم . دلیل این مسئله رفلکس ویتترین نمایشگاه موزه شهرداری تبریز می باشد که در روی تصاویر تاثیر نا مطلوبی گذاشته است .

اگر از اساتید تاریخ در مورد این نقشه که می گویند در زمان ایلخانان مغول از وضعیت آن زمان تبریز رسم شده سوال کنیم چه جوابی دارند که بدهند وقتی تبریز در 200 سال قبل شکل نگرفته بود . مطمئنا یا سکوت خواهد کرد و یا فحاشی !



می توان در عکس های زیر بخشی از دیوار (حصار خشتی) شهر تبریز را مشاهده کرد که تا زمان آن عکس هنوز پابرجا بوده است .



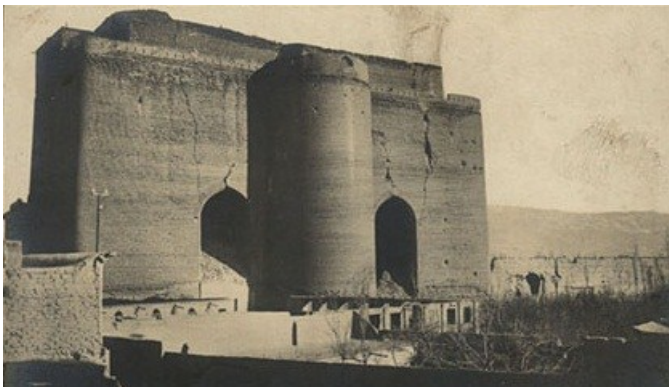
ولی این حصار خشتی بعدها با گسترش بیشتر شهر برجیده شد . و اکنون چند دروازه از این حصار باقی مانده است که در یادداشت مناره های کج در مورد آن ها بحث شد . در عکس سمت راست بالا تصویری از یک بنای خشتی بسیار عظیم دیده می شود که درباره این بنا افسانه های زیادی ساخته اند .

« ارگ تبریز (علی شاه) نام یک بنای تاریخی در تبریز است. سبک معماری این بنا به شیوه آذری و معمار آن استاد فلکی تبریزی ذکر شده است. این ارگ یکی از بلندترین دیوارهای تاریخی کشور و نماد شهر تبریز است. ... امروزه تنها بخشی از دیوارهای عظیم و محراب بسیار بلند شبستان جنوبی این مسجد برجای مانده است که خود مویذ

شکوه و آبادانی آن در گذشته است. دیوارهای موجود در حقیقت تشکیل‌دهنده ایوان تاق‌پوش و حمال تاقی استوانه‌ای عظیمی بوده‌است که فضای به وجود آمده به‌عنوان شبستان و عنصر اصلی مسجد علی‌شاه به شمار می‌رفته است. بقایای موجود بنا ، حکایت از یک ایوان به‌عرض 30،15 متر و جرز و دیوای کناری به ضخامت 10،40 متر و پی‌ها و فونداسیونی ژرف و حجیم متناسب سازه‌های فوقانی و ارتفاع احتمالی بنا تا خط آغاز طاق استوانه‌ای 25 متر (البته دقت رد تناسب سازه‌های اثر 36 متر صحیح به‌نظر می‌رسد) بوده است .

شاردن :

تعداد مساجد تبریز دویست و پنجاه است ... مسجد علی‌شاه تقریباً بالتمام مخروبه و منهدم شده‌است . قسمت‌های سفلی که به گزاردن نماز افراد مردم اختصاص دارد و مناره آن را که بسیار رفیع و بلند است ، مرمت کرده‌اند . هنگام ورود از ایوان نخستین اثری که از تبریز مشاهده می‌شود، همین مناره است . چهارصد سال می‌شود که این مسجد را خواجه علی‌شاه بنا کرده‌است . مشارالیه صدراعظم غازان خان شاهنشاه ایران که مقر سلطنتش تبریز بود و در همان جا نیز به خاک سپرده شده بوده است. هنوز هم مقبره وی در یک منار مخروبه عظیمی که به نام او، منار "غازان خان" نامیده می‌شود، مشهود است . « (دانشنامه آزاد ویکی پدیا)



تنها دلیلی که به این بنا نام مسجد را گذاشته اند وجود محراب ماندنی است که در وسط این بنا واقع شده و در جهت قبله می باشد . اگر این مسئله را نادیده بگیریم دیگر دلیلی برای اثبات مسجد بودن آن نمی توان یافت . مثلا اگر سوال کنیم دو دروازه کناره های این محراب چه کاربردی داشته چه می توانند بگویند ؟ به طور کلی تا به حال برای این بنا هیچ کاربرد دقیقی را ذکر نکرده اند . ولی کاملا مشخص است که نیمه تمام رها شده و بعدا هم کسی ادامه ساخت آن را انجام نداده اند . سبک آذری آن هم مثال زدنی است !

« ائل‌گولی یا شاه گولی یکی از مهم ترین گردشگاه‌های شهر تبریز است که در جنوب شرق آن و در 7 کیلومتری مرکز شهر واقع شده‌است. این مکان در زمان آق‌قویونلوها ایجاد شده و در دوره صفویان گسترش یافته‌است. ائل گولی تا پیش از روی کار آمدن صفویان ، بزرگترین منبع ذخیره آب جهت آبیاری باغ های مناطق شرقی تبریز تا دروازه تهران و تپلی باغ بوده است . در دوران حکومت صفویان، تمام شن و ماسه و نخاله‌های موجود در محوطه داخلی دریاچه فعلی خالی شده و دیواره‌ای سنگی به دور آن کشیده شد . در دوران قاجار در پیرامون استخر ائل گولی خیابان‌هایی جهت عبور و مرور احداث گردید و در جوار این معابر، درختان درخت تبریزی ، بید مجنون و گل‌های اطلسی متعددی در چندین ردیف جهت تزئین گردشگاه و پاک‌ی آب و هوا کاشته

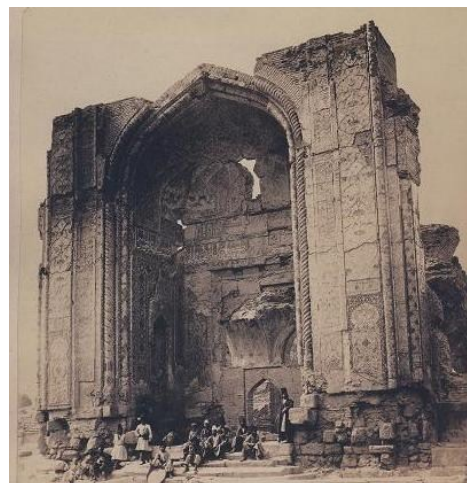
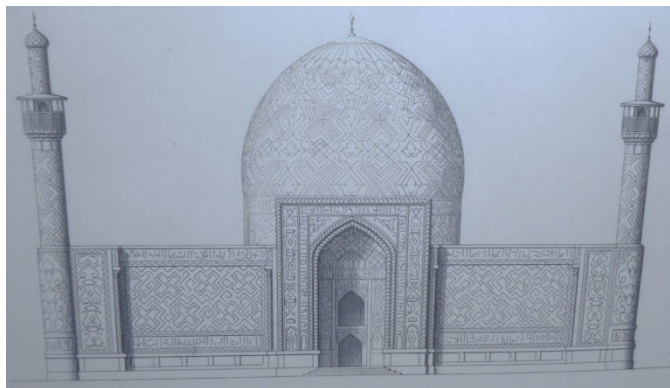
شد . ائل‌گولی در دوران پهلوی به شهرداری تبریز واگذار شد تا به یک گردشگاه عمومی تبدیل شود . « (سایت دانشنامه آزاد ویکی پدیا)



در مورد وسعت کم شهر تبریز دلیل دیگری که داریم مقایسه دو عکس بالا می باشد که به فاصله های زمانی مختلفی از تفرجگاه ائل گلی تبریز گرفته شده است . به طوری در عکس سمت چپ تا چشم کار می کند نشانی از آبادی دیده نمی شود . حال سوال این است که چه مردمی برای تفرج به این مکان می آمده اند در حالی که شهری در کار نبوده و چه نیازی به این مکان تفریحی با وجود کمبود جمعیت وجود داشته است ؟

« مسجد کبود (به ترکی آذربایجانی) - Göy Məscid گوی مچید : (یا مسجد جهانشاه) از مسجدهای تاریخی تبریز است . این مسجد طبق کتیبه سردر آن در سال 870 هجری قمری و 1465 میلادی و در زمان سلطان جهانشاه مقتدرترین حکمران سلسله قره قویونلو و به دستور دختر او صالحه خانم بنا شده است. تنوع و ظرافت کاشی‌کاری و انواع خطوط به‌کاررفته در آن و به‌خصوص به دلیل رنگ لاجوردی کاشی‌های معرق آن سبب شده‌است که به «فیروزه اسلام» شهرت یابد . زلزله سال 1193 هجری قمری آسیب فراوان به مسجد زد و در اثر آن گنبدهای مسجد فرو ریخت. تعمیرات و دوباره سازی مسجد به منظور حفاظت و بازسازی بخش‌های باقیمانده شامل طاق‌ها و پایه‌ها از سال 1318 آغاز شد و در 1355 کارهای ساختمانی آن به اتمام رسید بازسازی گنبد اصلی توسط مرحوم استاد رضا معماران انجام شد . بازسازی کاشیکاری داخلی و خارجی هنوز ادامه دارد . « (سایت دانشنامه آزاد ویکی پدیا)

این مسجد هم اگر مانند ارک علیشاه نیمه کاره رها نمی شد تصمیم بر آن بود ، که به شکل زیر در بیاید . ولی نیمه کاره رها شد ! و اکنون میراث فرهنگی استان وظیفه کار نیمه تمام قویونلو ها را بر دوش می کشد !



در عکس هایی که قبلا در باره مسجد کبود برایتان تهیه کرده بودیم نشان دادیم که آثار نیمه کاره بودن بنا کاملا مشهود است . همچنین همه جای کاشیکای داخلی و حتی خارجی بنا پر از صلیب و ستاره شش پر (داوودی) است .

در انتها برای وجدان های بیدار در بین متفکرین آذربایجان متذکر می شوم که دست از این سکوت بردارید و به مردم حقایق را بگویید و تاریخ پر از جعل و دروغ را تبلیغ نکنید .

«برای آینده بهتر سرزمین مان نگاهی جدید و اندیشه ای نوین باید»

بهار 91

Aydın Təbrizli

منابع :

1- سری کتاب های تاملی بر بنیان تاریخ ایران – ناصر پورپیرار – انتشارات کارنگ

2- فرهاد فخاری تهرانی – پایگاه مجلات تخصصی

3- سایت دانشنامه آزاد ویکی پدیا

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**